

گفته است که زیارت شیخ علی کردی می گویند گفته اند که وی در لیست نمازگزاران
و اوقات مکشوف العوره مکرر شد گفت البته و یکی پس از شیخ سوار شده و چون
بمغز وی رسید هر دو آمده چون شیخ خطه دیدند است که وی نزدیک رسیده عورت
خود را کش کرده است شیخ فرموده است که ما را این از توانی فرار امر و زما مهمان
بوسه پس نزدیک شد و سلام کرد و نشست ناکه دو حال پدید آمد و بالایش اطعام
بسیار شیخ علی گفت که پیش شیخ فرسید که مهمان ماست و شیخ گفت که در آن روز
صیافت است شیخ بزرگ و عاقل روی بطرف احوال است شیخ علی کردی در اوایل در
جامع می بوده است و ناکه محذوب دیگر که او را وقت می گفته اند به شهر مشغول
در آمد وی بیرون رفت و ساکن شد و بعد از آن شهر بنیامد تا ناکه که
گفت **شیخ مفرح رحمه الله تعالی** وی زاهد و عابدی صریح است بسیار
افند و کبرالتان بوده است سده بوده است جنتی و زاهدی رسیده وی کشتن
ماه طعام و شربت بخور زیندا شد که در او نرسیده است هر چند زنده هیچ سوزی
نداشت وی را بنگرند چون آمدند وی جای بود و سیدهای و بزرگان زندان گرفتند
چون آمدند و بزرگان زندان یافتند چون این گرانها از دور دیدند چنانچه
بریان کرده پیش و مجاورند نگاه داشت برید همه زنده شدند و بزرگان گرفتند
بازن الله تعالی بجز اصحاب وی او را روزی در دعوات دید و یکی همان روز
در خانه خودش دید و تمام روز با وی بود چون در سخن آمد هر سیدند که

بودن

بودند با هم گفتند میان ایشان تراخ شد یکی گفت که آن روز فرموده دعوات بود
او سوگند بطلاق خورد بپنج خصومت گشای پیش مفرح آمدند و یکی میان ایشان
گذاشته بود باز گفتند شیخ گفت هر دو راست گفته امید وزن هیچ کدام ملاقات
یکی از آنکه بر میگوید که من از شیخ مفرح پرسیده که صدق هر یک سوخت و در
چون سوگند هیچ حالت نشده باشد و در آن مجلس که از این پرسیدم چرا عیال
یا ضرر بود شیخ آشفته همه کند که در مسئله سخن گویند هر یکی چیزی گفته اما
هیچکس جواب شافی نگفت اما دولت آقا جوابان را در ظاهر شد شیخ اشارت
کرد که جوابان بنویس که هم چون وی بولایت متخوف کرد و در آن معنی
روایت است و مصور بصورتی تواند بود که متخوف شودی تواند بود که در وقت
و احد خورد بصورهای متعددی نماید چنانکه خواهد پس آنکس که در آن بعضی از
صورت دعوات دیده باشد راست دیده باشد و آنکه در بعضی بکران صورت
خانه خودش دیده باشد هم راست دیده باشد سوگند هیچ یک حاشا است
شیخ مفرح فرمود که جواب صحیح نیست که توفیقی رضی الله عنه و تعالی به **شیخ**
ابوالحسن احمد صوری رحمه الله دهم و موضعیت مصر یکی ز ناچار است
که در سفر بود و با من چهار یا بی بود که شاس ز صبه بروی بود چون مصر را
و غیره در صحبت آن چهار یا بی از حکم شده چند طلب کرد و هیچ چیز نافر
بعضی از یاران مرا گفتند پس شیخ ابوالحسن صوری رو شاد و دعای است